

سینمای مستند

# پرورش ایده

همایون امامی

سینایی، ایشان یک هفته بعد از این دیدار جان به جان آفرین تسلیم می‌کند. دشواری مستندسازی از چنین موضوعی و به‌ویژه در چنین حالتی، در نخستین قدم یأس‌آور است؛ شاید بسیاری در همان آغاز، قید ساختن چنین فیلمی را زده و به بهانه‌های مختلف از زیر بار کار شانه‌خالی کنند. سینایی می‌گوید که من در عین نومی، کوشیدم در اطراف موضوع آن قدر چرخ بزنم تا ایده‌ی فیلم خود را بیابم. در حین صحبت با اعضای خانواده‌ی جناب دماوندی، دریافتم ایشان نوه‌ی دارند که ته‌صدایی داشته و ذوق خوانندگی را از پدر بزرگ خویش به‌ارث برده است. با این‌خبر جرقه‌ی ایده در ذهنم زده شد؛ با خوشحالی سرم را زیر گوش خواننده‌ی قجری برده و به او که چشمانش را با بی‌حالی بسته بود گفتم که اگر صدای مرا می‌شنود چشمانش را باز کند. او چنین کرد و من از او خواستم مجدداً چشمانش را ببندد و هر وقت صدای آواز نوه‌اش را شنید، چشمانش را باز کرده و لیختنی بزند. دوربین هم آماده شد و استاد، با شنیدن صدای آواز نوه، چشمانش را گشود و لیختند زد و ما فیلم گرفتیم. از آن به بعد،

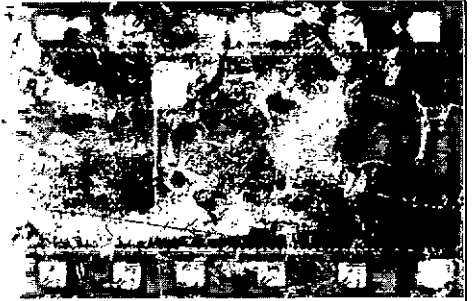
در مرحله‌ی تحقیق است. به عنوان یک نکته‌ی مهم می‌توان ابراز داشت که بیش از تحقیق کتابخانه‌ی، این تحقیق میدانی است که در این مورد در پرورش ایده به کار کارگردان می‌آید. ذکر خاطره و تجربه‌هایی در این مورد می‌تواند مفید باشد. در نیمه‌ی اول دهه‌ی پنجاه «خسرو سینایی» در تلویزیون به کار مشغول است.<sup>۱</sup> گاه پیش می‌آید که در روند تولید مستند تلویزیونی، گونه‌ی خاصی مد نظر قرار گیرد. گویا در آن مقطع هم، رویکرد تلویزیون در مستندسازی، بیش‌تر متمایل به تولید مستندهای شخصیت‌نگار<sup>۲</sup> بوده است. در میان افرادی که می‌بایست از زندگی‌شان فیلمی مستند تهیه می‌شده، خواننده‌ی معروف دربار قاجار یعنی جناب «دماوندی»<sup>۳</sup> نیز بوده است. سینایی تعریف می‌کند که مثل هر فیلم دیگر، من با خانواده‌ی دماوندی تماس گرفته و روزی به دیدار ایشان رفتم. در این دیدار معلوم می‌شود که جناب دماوندی سخت بیمارند و با حالی نامساعد در بستر بیماری افتاده‌اند. و خاصیت حال به گونه‌ی بوده که بنا به روایت

در گفتار قبلی از ایده و موضوع صحبت به میان آمد و گفته شد که ایده به موضوع - که خنثی است و فاقد هر گونه سمت‌گیری - جهت داده و آن را در مسیری مشخص پیش می‌برد. در این فرصت می‌خواهیم چگونگی گسترش و پرورش ایده را مورد بحث قرار دهیم یا به عبارت دیگر، می‌خواهیم چگونگی پرورش ایده‌های اولیه را از ایده‌های خام تا پرورده (پخته) مورد بحث قرار دهیم. این‌جا دو گزینه بیش‌تر وجود ندارد: نخست گزینه‌ی که گزینه‌ی اصلی است و بهتر است. مستندسازان جوان این شیوه را به کار بندند. بر مبنای این گزینه، مستندساز می‌بایست با تأکید بر مرحله‌ی تحقیق و برگزاری تفصیلی آن، خود را در شرایطی قرار دهد که امکان غور و تأمل هرچه بیش‌تر در واقعیات فراهم شود. در این مسیر، مستندساز این امکان را می‌یابد تا به وجوه نهفته و لایه‌های درونی‌تر واقعیت پی برده و از این رهگذر، ضمن غنی کردن دریافت خود، ابعاد دیگری از موضوع مورد نظر را نیز کشف کند. به دیگر سخن همه چیز در گروهی شناخت بهتر و بیش‌تر موضوع است، شناختی که مستلزم موفقیت

مستندساز می‌بایست با تأکید بر مرحله‌ی تحقیق و برگزاری  
تفصیلی آن، خود را در شرایطی قرار دهد که امکان غور و تأمل  
هر چه بیشتر در واقعات فراهم شود

.....

در گزینش ایده‌های مختلف، به ظرفیت هر ایده در پرداخت  
دراماتیک نیز باید اندیشید و در نهایت ایده‌یی را برگزید که از  
بیش‌ترین بار نمایشی و دراماتیک برخوردار است



شیردل» را مأمور ساختن فیلمی حماسی از  
این رخداد بزرگ می‌سازد. پس تا این‌جا هم  
موضوع و هم ایده روشن است، لیکن در سفر  
به گرگان و درمواجه با واقعیت هر یک از  
عوامل انسانی رویداد یا آن‌ها که به نحوی از  
انحا در آن شرکت داشته‌اند، می‌کوشند خود  
را شخصیت اول و عامل اصلی این رویداد جا  
بزنند و شیردل با فراست تمام این موضوع  
را به عنوان ایده برمی‌گزیند و آن را به رغم  
تقابلی که با ایده‌ی سفارش داده شده دارد  
تا به آخر پیش می‌برد. فیلم البته توقیف  
می‌شود. بدیهی است چنین دریافتی تنها در  
روند تحقیقی میدانی و گسترده می‌توانست  
بروز کند. اگرچه هشیاری و سرعت انتقال  
در چنین شرایطی عامل مهمی تلقی می‌شود،  
در عین حال وجود پس‌زمینه‌یی  
ذهنی که به اتکای جهان‌بینی و  
باورهای سیاسی-اجتماعی  
مستندساز شکل گرفته  
نیز از اهمیتی  
کم‌تر برخوردار

درآمد که در چنین اوضاعی ناخواه‌های دیگر  
به ساحل برمی‌گردند. به آزمون [ناخدای  
لنج] اصرار می‌کردیم برگردیم؛ تپذیرفت.  
از ملوان‌ها پرسیدم معمولاً از این اتفاق‌ها  
می‌افتند؟ گفتند بله و ما دست خالی به  
خانه برمی‌گردیم. این‌جا بود که فکر کردم  
آن چه در این دو روز روی داده در واقع،  
بخش اعظم معنی پنهان صید سنتی است  
و نه آن تصاویر تبلیغاتی که مدام تورهای  
پر از ماهی را نشان می‌دهد که از دریا  
بالا کشیده می‌شوند. از هنگامی که این  
کشف اتفاق افتاد، طرح دیگری در ذهنم  
شکل گرفت که نقطه‌ی مقابل طرح پیشین  
بود. با این طرح بلافاصله فیلمبرداری را  
شروع کردیم و این بار تمام کوشش‌های  
بی‌حاصل، انتظارها و گشت‌زنی‌ها در دریا،  
جزو لحظات اصلی فیلم شد. با آذوقه و  
سوخت باقی‌مانده، دو روز دیگر در دریا  
ماندیم و با پایداری آزمون، فیلم را به  
سرانجام رساندیم»<sup>۴</sup>.

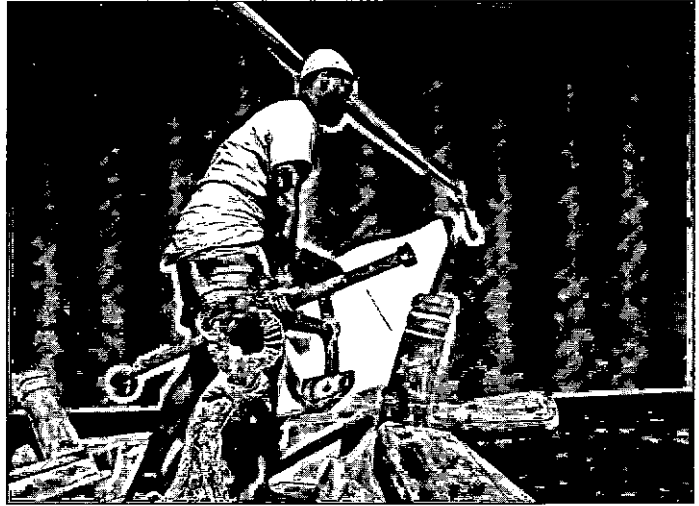
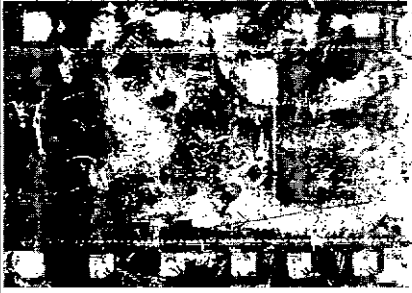
در نیمه‌ی دوم دهه‌ی چهل شمسی، زمانی  
که روزنامه‌ها با هیاهوی هر چه تمام‌تر از  
حماسه‌ی روستازاده‌ی گرگانی یاد کرده و آن  
را با آب و تاب هر چه تمام‌تر مطرح می‌کنند،  
واحد فیلم و عکس وزارت فرهنگ و  
هنر، «کامران

فیلم را با وجه اطلاعاتی زندگی ایشان ادامه  
داده و با استفاده از عکس‌ها و صفحات و  
صدای ایشان توانستم آن را در همان زمان  
۲۰ تا ۳۰ دقیقه به پایان ببرم.

نظر به اهمیت موضوع و ضرورت طرح  
و انتقال تجربه‌های دیگران می‌کوشم  
نمونه‌های دیگری نیز یادآور شوم.

«ابراهیم مختاری» ارجاع جالبی است. او در  
مقاله‌یی با عنوان «مصایب مستندسازی» از  
ساختن فیلمی با عنوان «یک سفر صیادی»  
حکایت می‌کند. گویا در شروع سفر، همه‌ی  
صیادان به مختاری نوید داشتن یک سفر  
موفق را می‌دهند و این که فیلم او فیلمی  
پر ماهی خواهد شد، ولی از آن‌جا که زمان  
فیلمبرداری در فصل صید انتخاب نشده  
است، در عمل جست‌وجوی چند روزه‌ی  
بی‌حاصلی آغاز می‌شود؛ تا آن‌جا که گروه  
صیادان و فیلمبرداری مجبور می‌شوند برای  
سیر کردن شکمشان حتی از لنج‌های دیگر  
ماهی قرض بگیرند. همه چیز از شکست  
پروژه‌ی فیلمسازی حکایت می‌کند. طبیعی  
است، وقتی تور پر نشود صید معنایی نداشته  
و صحبت از سفر صیادی موضوعیتی  
نخواهد داشت. مختاری می‌نویسد: «فردا  
از پگاه دوباره گردش و شیار زدن دریا  
شروع شد و باز هم از ماهی خبری نبود.  
این جست‌وجو و بی‌حاصلی، آزاردهنده بود.  
از زیر زبان ملوان‌ها





با ظرفیت‌های مالی پروژه متناسب باشد. نمونه‌های بسیاری داشته‌ایم که جنابیت موضوع و شور و شوق کارگردان در گزینش آن، باعث شده که محدودیت‌های مالی پروژه مورد توجه قرار نگرفته و فیلم، ناتمام باقی بماند. بنابراین ایده‌ی بهتر است که در چارچوب مالی پروژه بگنجد.

بی‌تردید قوت تحقیق - به‌ویژه تحقیق میدانی - در الهام ایده‌های جذاب به ذهن و همین‌طور پرورش آن، زمینه‌ی بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. قطعاً یک فرم خوب به رغم وجود پاره‌ی استثناءها، همواره از دل یک شناخت نیرومند استوار بر پایه‌ی یک تحقیق ژرف‌نگر بیرون می‌آید. ■

را به ذهن داد تا با دریافت‌های متعددی روبه‌رو شود. به‌طبع گزینش یک مورد از میان موارد دیگر، امکان بیش‌تری برای بهترین انتخاب فراهم می‌آورد.

دوم آن که در گزینش ایده‌های مختلف، به ظرفیت هر ایده در پرداخت دراماتیک نیز باید اندیشید و در نهایت ایده‌ی را برگزید که از بیش‌ترین بار نمایشی و دراماتیک برخوردار است، چرا که تنها با چنین رویکردی است که می‌توان فیلم مستندی تأثیرگذار ساخت؛ فیلمی که خاطره‌ی برخی لحظات آن، مدت‌ها ذهن مخاطب را به خود مشغول بدارد.

سوم آن که از میان ایده‌های متعدد، باید ایده‌ی را برگزید که پرداختن به آن

نیست، چرا که بی‌تردید مستندساز دیگری - مانند شاهرخ گلستان<sup>۵</sup> - از این ماجرا فیلم متفاوتی می‌ساخت.

رویکرد دیگری که می‌توان از آن نه به عنوان چاره‌ی به‌قاعد و متعارف یاد کرد، برداشتن صحنه‌های موجود است؛ به این امید که بشود با رویکردی فرم‌گرایانه فیلمی را که به هر حال باید به پایان رساند؛ تمام کرد.<sup>۶</sup> در مرحله‌ی یافتن و پرورش ایده چند نکته قابل توجه است:

نخست آن که در بررسی و تأمل در اطراف موضوع، که من مایلم از آن با اصطلاح ورز دادن موضوع یاد کنم، باید با تأنی و شکیبایی عمل کرد و این فرصت

۱- فیلم مستند «حسین یآوری» (۱۳۵۲) یادگار این دوران است.

۲- در برابر واژه‌ی انگلیسی «Documentary Biographical» که عنوانی برای نامیدن مستندهایی با موضوع بررسی و تکریم زندگی شخصیت‌های مختلف علمی، اجتماعی، فرهنگی و غیره است، معادل‌های متعددی پیشنهاد شده‌اند؛ از جمله مستند شخصیت‌محور، مستند شرح حالی، مستند زندگینامه‌ی و غیره. مستند شخصیت‌نگار - همچون مستند قوم‌نگار، مستند تاریخ‌نگار و مستند واقعه‌نگار - معادلی است که این نگارنده پیشنهاد کرده است.

۳- جناب دماوندی (۱۳۵۰ - ۱۲۵۰) خواننده و اذان‌گوی عین‌الدوله (صدر اعظم مظفرالدین‌شاه) بود که در حدود سال ۱۲۵۰ شمسی متولد شد. با «آقا حسین قلی داشت» و به توصیه‌ی او با «علی اکبر شهنازی» در نوجوانی دو صفحه ضبط کرده است. او اذان را از «سیدجعفر لاهیجی» (استاد عارف قزوینی) آموخت و بعد به اصفهان رفت و از «سیدرحیم»، استاد آواز، استفاده کرد (به نقل از ساسان سینتا، چشم‌انداز موسیقی ایرانی، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی و هنری ماهور، ۱۳۸۲).

۴- مختاری ابراهیم، مصایب مستندسازی، فصلنامه‌ی زنده‌رود، به کوشش زاون قوکیاسیان، شماره‌های ۶ و ۷، بهار ۱۳۷۳، ص. ۲۹۸.

۵- «اسماعیل گلستان» که به خاطر نمایشی علقه‌هایش به دربار و شخص شاه، خود را «شاهرخ» نامید، از نخستین فیلمبرداران مخصوص دربار پهلوی دوم محسوب می‌شد و معمولاً در تمامی سفرها، شاه را همراهی می‌کرد. «فروغ جاودان» (۱۳۵۰) که نسخه‌ی انگلیسی آن در قطع ۷۰ میلیمتری و با صدای «اورسن ولز» از برگزاری مراسم جشن‌های ۲۵۰۰ ساله تهیه شده بود، توسط شاهرخ گلستان فیلمبرداری و کارگردانی شد.

۶- بگذریم از این که متأسفانه این رویکرد امروزه به خاطر فرار از تحقیق، رایج است و بیش از گزینشی نخست بیش‌ترین کاربرد را دارد، آن چه همانند واقعیت این رویکرد نادرست، کتمان‌ناپذیر است، ارزش بسیار نازل این دست فیلم‌های مستند است که تنها به درد انجام وظیفه می‌خورند و این که دقایقی از وقت خالی آنتن را پر کرده و برای همیشه به دست فراموشی سپرده شوند.